



دکتر ملک حسینی

رئیس وقت دانشگاه



یکی از همشهری‌های خودمان بچه اولش تالاسمی داشته. برای بچه دوشم می‌رفته تهران که در ترمینال جنوب جیبش را زدند. تمام دارایی‌اش همان ۱۰ هزار تومان بود که مجبور شد با همان اتوبوس به شیراز برگردد. حالا تو چه طور وجدانت قبول می‌کند اینها را رها کنی بروی تهران؟ آنجا می‌خواهی چه تحقیقاتی انجام بدهی؟

نمی‌آمد. داروی بسیار گرانی قیمتی هم بود. آن زمان سالی ۱۰۰ میلیون دلار وارداتش بود، یعنی یک عدد نجومی. ما این دارو را با همکاری آلمان‌ها در کشور تولید کردیم. اوایل هم بعضی از پزشک‌ها مخالفت می‌کردند. اولین کشوری بودیم که در دنیا بعد از آمریکا این دارو را تولید می‌کردیم. یک عده واقعاً باور نمی‌کردند که کیفیت داشته باشد. پیشنهاد کردیم تنها راه این است که مطالعات بالینی به صورت BLIND انجام بدهند و ما هم شرکت نداشته باشیم. دکتر نفیسی استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران و دکتر صحرانیا با از خودگذشتگی آمدند. برنامه وسیعی طراحی کردند و به دو گروه بیماران از این دو دارو دادند و ثابت کردند که داروی ما و آمریکایی هیچ تفاوتی باهم ندارد. یعنی به لحاظ کیفیت هم یکسان بود. و این بود که دارو اجازه ورود پیدا کرد. البته باز مخالفت‌هایی بود ولی دکتر نفیسی خیلی قوی ورود کرد و با اطلاعات و کارآزمایی‌ها کیفیت دارو را ثابت کرد.

الحمدلله امروز این دارو تقریباً ۱۰۰ درصد بازار روسیه را گرفته است و ما داریم وارد بازار اروپا می‌شویم. اولین کشوری در خاورمیانه هستیم که دارد به اروپا دارو صادر می‌کند. به ترکیه و کشورهای مختلف جهان صادرات بالایی از این دارو داریم. این بود که کم‌کم این اطمینان پیدا شد که محققان ایرانی هم می‌توانند چنین دارویی تولید کنند. جالب این است که اوایل همیشه شرکت آمریکایی ادعا می‌کرد ایرانی‌ها نمی‌توانند این کار را بکنند و اصلاً نگران نبودند تا زمانی که ما توانستیم برای کل بازار ایران تولید کنیم و به بازارهای جهانی ورود کنیم دوباره علیه ما داستان‌ها شروع شد، از ما شکایت کردند. چون با فرانسوهر آلمان همکاری تحقیقاتی می‌کردیم در دادگاه‌های آلمان از ما شکایت کردند و آنجا خودشان اذعان کردند که این دارو ۱۰۰ درصد از نظر کیفی مثل داروی ماست و اینها داروی ما را کپی کردند، البته این اطلاعاتی که خود آنها دادند در واقع به نفع ما شد. پزشک‌های ایرانی دیدند که خود شرکت تولیدکننده می‌گوید من داروی ایرانی را تست کردم و مثل داروی ماست. در نهایت ما آنجا گفتیم که ایران جزء کشورهای پتنت نیست و از دادگاه موفق بیرون آمدیم.

اجتماعی به کار گرفت. علم برای علم تأثیری ندارد. ما هر چه مقاله بنویسیم تا وقتی تأثیری روی زندگی مردم، روی درآمد مردم، روی رفاه اجتماعی مردم نداشته باشد بی خود است.

از راه اندازی سیناژن و موفقیت‌های آن برایمان بگویید.

دوستی به نام دکتر حمید مبتکر داشتم که شرکتی به اسم سیناژن را سال ۷۳ تأسیس کرده بود. یک سال بعد من با ایشان شریک شدم. در آن زمان همه وسایل بیوتکنولوژی از آمریکا می‌آمد، حتی اروپا هم نداشت چون شامل قانون پتنت بود، شرکت‌های اروپایی نمی‌توانستند بسازند. ما عامل اصلی را که یک آنزیم تگ پلیمرز است برای اولین بار در کشور تولید کردیم.

این فعالیت همزمان با فعالیت در هیأت علمی پاستور بود که توانستیم بیوتکنولوژی را در کل کشور گسترش دهیم. یعنی اولین حرکت ما این بود که بتوانیم بیوتکنولوژی را به کشور معرفی کنیم. به این صورت که با کمک و همراهی دفتر همکاری‌های فناوری ریاست جمهوری آن زمان و انستیتو پاستور شروع کردیم به ترویج این مطلب که بیوتکنولوژی در زندگی، رفاه اجتماعی و درمان مردم چه تأثیری می‌تواند داشته باشد. همزمان در دو جبهه حرکت می‌کردیم. یکی اطلاع‌رسانی عمومی و ترویج علم بیوتکنولوژی بود. دیگر اینکه مسئولان را متقاعد کنیم و کردیم، که بیوتکنولوژی می‌تواند به عنوان اولویت ملی کشور در امنیت کشور و در امنیت ملی کشور نقش آفرینی داشته باشد. با ورود نفر اول رشته داروسازی از دانشگاه علوم پزشکی تهران خانم دکتر حامدی‌فر به سیناژن مرحله دیگری از تولید یعنی دارو را شروع کردیم.

اولین داروی نوترکیب شرکت سیناژن داروی «ام‌اس» به نام سینووکس [۲] بود. مشابه این دارو آوونکس بود که از آمریکا وارد می‌شد. یک هفته می‌آمد یک هفته

